

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۱۶ اگست ۲۰۲۱

امریکا و متحدانش پس از ۲۰ سال اشغال افغانستان، این کشور را مجدداً به طالبان تحویل دادند!

امروز یکشنبه ۱۵ اگست ۲۰۲۱ برابر با ۲۴ مرداد [اسد] ۱۴۰۰، روزی نفس‌گیر و سیاهی برای مردم افغانستان به‌ویژه زنان است. چرا که مردان جنگ‌طلب و خشن و مسلح طالبان با ریش‌های بلند، به دروازه‌های پایتخت رسیده‌اند و حتی در برخی جاها به داخل شهر نفوذ کرده‌اند.

نیروهای طالبان خود را آماده کرده‌اند که هرچه زودتر پرچم «لا اله الا الله محمد رسول الله» خود را بر در و دیوار پایتخت کشور شهر نفرین‌شده بیاویزند!

نیروهای طالبان طی روزهای گذشته در سایه عملیاتی ضربتی موفق به تصرف بخش عظیمی از خاک افغانستان شده‌اند. اکنون وزیر کشور افغانستان از برنامه دولت این کشور برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت سخن گفته است.

گروه طالبان، روز یکشنبه ۲۴ مرداد، با انتشار بیانی‌ای خواستار آن شد تا شهر کابل بدون درگیری تسلیم شود تا شبه‌نظامیان این گروه بدون درگیری و به‌طور «مسالمت‌آمیز» وارد پایتخت شوند.

به گزارش برخی خبرگزاری‌ها «علی احمد جلالی» وزیر کشور اسبق و سفیر اسبق افغانستان در آلمان، به کابل رسیده و قرار است عهده‌دار ریاست دولت موقت شود. منابع خبری در تهران گزارش دادند که اشرف غنی رئیس‌جمهوری، افغانستان را ترک کرده و خبر رسمی بزودی اعلام می‌شود.

سایت «اشپیگل آنلاین» از دیدار هیات مذاکره‌کننده طالبان با نمایندگان دولت افغانستان در کاخ ریاست‌جمهوری این کشور خبر داده است. گفته می‌شود این دیدار امروز یکشنبه ۱۵ اوت-۲۴ مرداد، صورت گرفته است. موضوع گفت‌وگو و مذاکره آن‌ها انتقال مسالمت‌آمیز قدرت بوده است. هنوز زمان رسمی انتقال قدرت اعلام نشده است.

شبکه تلویزیونی طلوع نیوز افغانستان گزارش داد اشرف غنی افغانستان را ترک کرده است. این در حالی است که وال استریت ژورنال خبر داده بود دولت افغانستان و واشنگتن از طالبان خواسته‌اند تا ورود به کابل را تا ۲ هفته به‌تأخیر بیندازند.

سهیل شاهین، عضو هیات مذاکره‌کننده طالبان در دوحه، اعلام کرد که این گروه خواستار «انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در روزهای آینده» است.

همزمان با انتشار گزارش‌های متعدد درباره حضور طالبان در نزدیکی شهر کابل، گروه طالبان با صدور اطلاعیه‌ای خواسته است که شهر کابل بدون درگیری تسلیم شود و نیروهای این گروه به صورت «مسالمت‌آمیز» وارد شهر شوند و روند انتقال قدرت صورت گیرد.

گزارش‌های متعددی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است که حکایت از ورود نیروهای طالبان به برخی از مناطق کابل دارند. انتشار این خبرها موجب نگرانی مردم شهر کابل و شکل‌گیری صف‌های طولانی مقابل بانک‌های این شهر و همچنین فرار شده است.

صحرا کریمی، فیلم‌ساز و رئیس افغان فیلم، با انتشار ویدیویی در صفحه شخصی اینستاگرام خود می‌گوید که طالبان به شهر کابل وارد شدند و شهروندان این شهر در حال فرار هستند.

مقامات نظامی امریکا بدون ذکر نام به خبرگزاری فرانسه گفته‌اند که کارکنان سفارت در حال سوزاندن مدارک حساس و محرمانه هستند و دود آن از سفارت امریکا در کابل دیده می‌شود.

در پی پیشروی شبه‌نظامیان طالبان و ورود این نیروها به شهر کابل، علاوه بر امریکا، کشورهای بریتانیا، آلمان، دانمارک، نروژ و اسپانیا، کارکنان سفارت‌خانه‌ها و شهروندان خود را از افغانستان خارج می‌کنند.



پیش‌تر سرعت پیشروی طالبان با وجود حمایت نیروی هوایی امریکا که به‌ویژه مواضع طالبان را در شیرغان بمباران کرد، ناظران و همچنین نیروهای امنیتی افغان را غافلگیر کرده است.

تنها در هفته‌های گذشته، طالبان بسیاری از ولایات افغانستان را تصرف کرده و مقررات خود را در آن‌ها به اجرا گذاشت. در برخی از ولایات مدارس را منفجر کردند، در برخی از ولایت دختران ۱۲ ساله را به غنیمت بردند و در برخی ولایت نیز دست به اعدام و سر بریدن زدند.

این‌ها خبرهایی است که در تمام شبکه‌های خبری جهان، از جمله فارسی زبان خارج از کشور منتشر شده است. رسانه‌ها و صفحات شبکه‌های اجتماعی نزدیک به طالبان مملو از تصاویر غنائم جنگی است که به‌دست جنگ‌جویان طالبان افتاده و در آن‌ها خودروهای زرهی، دیگر وسائل نقلیه، سلاح و مهمات بسیار دیده می‌شود.

گروه طالبان بر قندهار، دومین شهر بزرگ افغانستان تسلط یافت و اندکی بعد با حمله به لشکرگاه، مرکز ولایت هلمند، کنترل این شهر را نیز بدست آورد. صبح امروز شهر فیروزکوه یا چچران مرکز ولایت غور بدون نبرد تسلیم طالبان شد.

تنها در یک هفته گذشته مراکز ۱۵ ولایت افغانستان به دست طالبان سقوط کرده است و پیشروی آن‌ها سریع‌تر از آنچه تصور می‌شد، ادامه دارد.

با نزدیک‌تر شدن نیروهای طالبان به کابل، وزارت دفاع امریکا (پنتاگون) روز پنج‌شنبه گذشته اعلام کرد برای کمک به تخلیه و بازگرداندن کارمندان سفارت این کشور در کابل، سه هزار نیروی نظامی را به‌طور موقت به افغانستان اعزام می‌کند؛ تصمیمی غیرمنتظره که از بی‌اعتمادی امریکا به توانایی ارتش افغانستان که دو دهه کارشناسان نظامی و امریکایی و ناتو آن‌ها آموزش داده‌اند برای ایستادگی در برابر پیشروی طالبان حکایت دارد.

تا پیش از این، واشینگتن ادعا داشت که نیروهای امنیتی افغانستان می‌توانند در برابر نزدیک شدن طالبان به پایتخت مقاومت بیشتری به خرج دهند.

سازمان ملل متحد نیز روز پنج‌شنبه گذشته اعلام کرد که از کشیده شدن جنگ در افغانستان به مناطق شهری نگران است و هشدار داد اگر عملیات نظامی نیروهای طالبان به کابل برسند، پیامدهای فاجعه باری برای غیرنظامیان خواهد داشت.

سازمان ملل می‌گوید در شش ماه نخست سال جاری میلادی پنج هزار و ۱۸۳ غیرنظامی در افغانستان کشته و زخمی شده‌اند.

طالبان از ماه آوریل ۲۰۲۱، پس از آن که امریکا و دیگر کشورهای عضو ائتلاف بین‌المللی اعلام کردند نیروهای خود را افغانستان خارج می‌کنند، عملیات خود را برای سرنگونی دولت مورد حمایت امریکا در افغانستان تشدید کرده است. رهبران سیاسی طالبان همچنان در پاکستان مستقرند و برخی نمایندگان‌شان در قطر. شکی نیست که طالبان این‌بار با خشونت بیشتر و با هدف انتقام‌گیری از مخالفان خود، مجدداً به حاکمیت افغانستان برمی‌گردد.

این‌بار طالبان با حمایت آشکار کشورهای عضو پیمان ناتو و در راس همه امریکا و همچنین چین، روسیه، جمهوری اسلامی ایران و غیره به قدرت می‌رسد طبیعتاً از موقعیت بین‌المللی منطقه و جهانی مناسبی برخوردار می‌گردد که ۲۰ سال پیش چنین موقعیتی نداشت.

با خروج ارتش امریکا از افغانستان، به‌نظر می‌رسد طالبان تا پیروزی نظامی در این کشور فاصله چندانی ندارد. ناتوانی ارتش افغانستان در برابر این تهاجم، جنگ‌طلبانی را وارد صحنه نبرد کرده است که در ماه‌های اخیر مجدداً پیشروی‌های سریعی را برای تسخیر سراسر افغانستان آغاز کرده‌اند.

در حالی که بخشی از مردم برای دفاع از خود در برابر طالبان بسیج می‌شوند، نیروهای دولتی هم از نظر نظامی و هم روحی، شکست خورده به نظر می‌رسند.

نیروهای دولتی افغانستان امروز یکشنبه ۲۴ مرداد-۱۵ اوت، تأیید کردند که نیروهای طالبان شهر جلال‌آباد مرکز ولایت (استان) ننگرهار را تصرف کردند.

ابتدا یک سخن‌گوی طالبان امروز یکشنبه اعلام کرد که نیروهای این گروه وارد شهر جلال‌آباد شده‌اند. هم‌زمان منابع امنیتی گفته بودند، نیروهای طالبان بدون درگیری شهر جلال‌آباد را تصرف کرده‌اند.

به گزارش رویترز، کابل و جلال‌آباد در شرق تنها مناطق شهری بزرگ افغانستان بودند که طالبان هنوز آن‌ها را تصرف نکرده بود.

یک شهروند در جلال‌آباد هم به خبرگزاری فرانسه گفته است، امروز صبح از خواب بیدار شدیم و شاهد افراشته شدن پرچم‌های طالبان بر فراز ساختمان بودیم. آن‌ها شهر را تسلیم طالبان کردند.

این خبرگزاری هم می‌گوید با سقوط جلال‌آباد، ارتباط کابل با شرق کشور قطع شده است و اکنون پایتخت افغانستان تنها شهر پر جمعیت کشور است که هنوز به تصرف طالبان در نیامده است.

در همین حال شامگاه شنبه ۱۴ اوت برق کابل قطع شد و صدای تیراندازی در اطراف این شهر به گوش می‌رسید. رسانه‌های محلی نیز شامگاه شنبه گزارش دادند که صدای درگیری‌های پراکنده در نقاطی از کابل شنیده شده است. همچنین تصاویری از خاموشی کامل در کابل و قطع برق این شهر در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.

نیروهای طالبان روز شنبه ۱۴ اوت توانستند مزار شریف، چهارمین شهر بزرگ افغانستان را تصرف کنند. ساعتی قبل از آن نیز منابع دولتی افغانستان تأیید کرده بودند که شبه‌نظامیان طالبان مراکز ولایت لوگر، کنر و پکتیکا را تصرف کرده‌اند.

منابع امنیتی و دیپلماتی شنبه به سی‌بی‌اس نیوز گفته‌اند، سفارت امریکا طی ۳۶ ساعت آینده به‌طور کامل تخلیه خواهد شد و پرسنل آن به جز چند نیروی کلید از افغانستان خارج می‌شوند.

این منابع اضافه کرده‌اند، تمامی دیپلمات‌های امریکائی می‌بایست تا ۳۱ اوت ۲۰۲۱ از افغانستان خارج شوند. جو بایدن، رئیس جمهوری امریکا روز شنبه ۲۳ مرداد ماه ۱۴۰۰ اعلام کرد، تعداد سربازانی که به کابل اعزام می‌شوند تا امنیت خروج کارکنان سفارت ایالات متحده از افغانستان را تأمین کنند، به پنج هزار نیرو افزایش یافته است. جو بایدن در بیانیه‌ای ضمن دفاع از تصمیم خود مبنی بر خروج نیروهای امریکائی از افغانستان، استدلال کرد که نیروهای افغان می‌بایست با نیروهای طالبان که در سراسر کشور در حال پیشروی هستند، جنگ کنند. او اضافه کرده است، این نظامیان همچنین به خروج گروهی از افغان‌ها که در حال گرفتن ویزای ویژه انتقال به امریکا هستند، کمک خواهند کرد.

نیکول فرارا، سخن‌گوی فرماندهی مرکزی ارتش امریکا تأیید کرد که امریکا بر حملات هوای خود افزوده و روزهای اخیر حملات متعددی را انجام داده‌اند. او افزود که نیروی هوائی امریکا از افغانستان حمایت می‌کند. در همین حال گزارش‌ها حاکی است جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا، دستور حمله هواپیماهای بمبافکن سنگین بی-۵۲ و همچنین جنگنده «اسپکتر» را به مواضع طالبان صادر کرده است.

خبر بمباران مواضع طالبان از سوی امریکا پس از آن رسید که سفارت امریکا در کابل، روز شنبه ۱۶ مرداد، در اعلامیه‌ای با اشاره به حمله‌های اخیر طالبان به شهرهای زرنج، مرکز نیمروز، شبرغان، مرکز جوزجان و پیش از آن به شهر لشکرگاه مرکز ولایت هلمند گفته است، این اقدام‌های طالبان به منظور تحمیل اجباری حاکمیت‌شان «ناپذیرفتنی» است و با ادعای آن گروه مبنی بر حمایت از راه حل سیاسی از طریق مذاکرات صلح دوحه، مغایرت دارد.

اما سه فرمانده طالبان در آن روزها گفته بودند که این گروه در واکنش به تشدید حملات هوائی امریکا هم‌زمان با خروج نیروهای این کشور از افغانستان، استراتژی خود را از تصرف مناطق روستائی کشور به حمله به مراکز ولایات تغییر داده است.

از سوی در برخی خبرها آمده است به محض این که بی-۵۲ ها از فرودگاه خود در قطر به پرواز درمی‌آیند طالبان با خبر می‌شود و تدبیرات لازم را اتخاذ می‌کند.

با شدت‌گیری درگیری‌ها بین طالبان و نیروهای دولتی در سراسر افغانستان افزایش یافته و مقامات کابل از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواسته‌اند تا جلسه‌ای اضطراری درباره این کشور برگزار کند.

در این جلسه که جمعه ۶ اوت برگزار شد اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد امنیت و سلامت غیرنظامیان در افغانستان ابراز نگرانی کردند.

دبورا لیونز، نماینده سازمان ملل در امور افغانستان در نشستی که برای بررسی وخامت اوضاع در این کشور تشکیل شده، گفت که این کشور در حال ورود به «مرحله‌ای ویرانگرتر و مرگبارتر» است.

به گزارش خبرگزاری رویترز لیونز در این نشست که جمعه ۶ اوت ۲۰۲۱ بنا به درخواست دولت کابل و با حمایت نیروژ و استونی تشکیل شده، گفت با کشته شدن بیش از ۱۰۰۰ تن از غیرنظامیان طی ماه گذشته در خشونت‌های طالبان، اوضاع افغانستان وارد مرحله خطرناکی شده است.

نماینده سازمان ملل متحد در امور افغانستان از گروه طالبان خواست تا حملات‌شان به شهرهای بزرگ را فوراً متوقف کنند.

به گفته این مقام سازمان ملل، طالبان تلاش دارند مراکز ولایت‌ها را به دست بگیرند و این اقدام آنان سبب شده شمار زیادی از غیرنظامیان در این کشور کشته شوند.

لیونز در این نشست از جامعه جهانی خواست، مانع از حرکت افغانستان به سوی فاجعه‌ای بزرگ شود. او همچنین هشدار داد که فاجعه در افغانستان پیامدهائی فراتر از مرزهای این کشور را در پی خواهد داشت.

لیونز افزود، کشورهایی که با نمایندگان طالبان دیدار می‌کنند باید بر آتش‌بس دائمی و از سرگیری مذاکرات صلح پافشاری کنند.

این در حالی است که محمد اشرف‌غنی، رئیس‌جمهوری افغانستان به تازگی در نشستی در پارلمان این کشور، دلیل وخامت اوضاع امنیتی در کشورش را تصمیم ناگهانی به خروج نیروهای امریکائی از منطقه عنوان کرد.

غنی گفت: «دلیل وضعیتی که ما داریم این است که این تصمیم به‌طور ناگهانی گرفته شد.»

ژنرال سر ریچارد بارونز، رئیس پیشین ستاد ارتش بریتانیا به بی‌بی‌سی گفت که بریتانیا و متحدان غربی آن «آینده افغانستان را فروختند».

این سخنان در حالی عنوان شده است که حملات طالبان به شهرها در افغانستان ادامه دارد و این گروه توانسته بر بیش از نیمی از ولسوالی‌های کشور تسلط پیدا کنند.

ژنرال بارونز به برنامه «جهان در آخر هفته» رادیو چهار بی‌بی‌سی گفت: «خروج در حال حاضر یک اشتباه استراتژیک است. معتقدم که این به منافع خود ما نیست.»

او گفت که متحدان غربی با این تصمیم «آینده افغانستان را فروختند»، که «پیامی واقعا تاسف‌بار» به متحدان در آسیا، آفریقا و خاورمیانه می‌فرستد.

او گفت: «ما با خطر بازگشت گروه‌های تروریستی در افغانستان روبه‌رو خواهیم شد تا به اروپا و جاهای دیگر آسیب برساند.»

بنا به توافق‌نامه صلحی که میان طالبان و امریکا به امضای رسید، طالبان متعهد به قطع ارتباط با شبکه القاعده و سایرگروه‌های تروریستی شده بود اما گزارش‌های نهادهای بین‌المللی حاکی است که طالبان ارتباطاتش با شبکه‌های جهادی را «حفظ» کرده است.

از طرف دیگر، بن والاس وزیر دفاع بریتانیا گفته است که متحدان غربی پس از خروج امریکا درخواست بریتانیا برای ماندن در افغانستان را قبول نکردند.

روزنامه «دیلی میل» در مطلبی از قول والاس می‌گوید که بریتانیا پس از اعلام خروج امریکا از افغانستان به‌شدت تلاش کرد تا یک ائتلاف نظامی از کشورهای هم‌سو برای حمایت از نیروهای افغان تشکیل دهد، اما متحدان ناتو از شرکت در آن خودداری کردند.

پس از آن، به گفته او این تصمیم گرفته شده است که بریتانیا به تنهایی نمی‌تواند در افغانستان بماند.

والاس امضای توافق‌نامه صلح امریکا با طالبان را که سال گذشته امضای شد را «توافق فاسد» نامیده که سبب پیشروی‌های اخیر طالبان شده و این گروه را به این باور رسانده که پیروز می‌شود.

والاس در پاسخ به سئوالی که آیا بریتانیا می‌تواند به نیروهای افغان در محاصره کمکی کند گفته که «سعی کردم با کشورهای ناتو صحبت کنم، اما آن‌ها علاقه‌ای نداشتند، تقریباً همه آن‌ها.»

ده‌ها هزار افغان از زمان شروع جنگ در سال ۲۰۰۱، هنگامی که نیروهای غربی برای خارج کردن کنترل کشور از دست طالبان به افغانستان حمله کردند، به عنوان مترجم، تعمیرکار و راهنمای محلی به ارتش امریکا و متحدانش خدمت کرده‌اند.

بایدن وعده داده بود که خارج کردن جمعی مترجمان قبل از ماه اوت آغاز خواهد شد. جمعه گذشته، ۲۰۰ افغان، نخستین گروه از ۲۵۰۰ نفری بودند که برای تکمیل درخواست ویزای خود و آغاز زندگی جدید وارد امریکا شدند. بیش از ۵۰ هزار مترجم برای ارتش امریکا کار کرده‌اند. از سال ۲۰۰۸، حدود ۷۰ هزار مترجم و خانواده‌های آن‌ها، با ویزای ویژه‌ای که به آن‌ها داده شده، به امریکا نقل مکان کرده‌اند. اما حدود ۲۰ هزار مترجم و خانواده‌های آن‌ها هنوز به دنبال راهی برای خروج هستند.

روز دوشنبه گذشته، وزارت خارجه امریکا اعلام کرد یک برنامه پناهجویی دیگر راه‌اندازی می‌کند، برای افغان‌هایی که برای رسانه‌ها و نهادهای غیردولتی امریکا کار کرده‌اند یا در پروژه‌هایی که با بودجه امریکا بوده‌اند. اما این متقاضیان از یک طرف با روند بسیار کند و پیچیده صدور ویزا روبرو هستند و از طرف دیگر با سرعت پیشرفت طالبان.

خطر برای مترجم‌هایی که برای امریکایی‌ها کار می‌کردند بسیار جدی است. تخمین زده می‌شود از سال ۲۰۰۹ حدود ۳۰۰ مترجم در جستجوی ویزای امریکا جان خود را از دست داده‌اند، روند صدور ویزا ممکن است سال‌ها طول بکشد حتی در چارچوب برنامه جدید.

به گفته دگروال (سرهنگ) بازنشسته مایک جیسون، «مترجمان در خطر مرگ هستند. این بر کسی پوشیده نیست. مترجمان ما بیش از یک دهه است که کشته شده‌اند.»

او می‌گوید مدارک شاغل بودن در ارتش امریکا و دیگر مدارک مشابه که برای درخواست ویزا لازمند، در چشم طالبان اسناد «اعتراف» به جرم‌اند: «ما در وضعیتی هستیم که من نمی‌دانم این افراد چگونه ممکن است از افغانستان خارج شوند.»

مسلم است که طالبان نیز همانند جمهوری اسلامی ایران و داعش و ... هیچ ابائی از کشتار جمعی شهروندان، سرکوب سیستماتیک زنان، دشمنی با آزادی بیان و اندیشه، ندارد. در تفکر اسلامی این جریانات، همه چیز باید در خدمت خدا و ایدئولوژی اسلامی آن‌ها، یعنی حاکمیت مطلق آنان باشد.

درباره کشتار نظامیان توسط گروه اسلامی طالبان، در شبکه‌های اجتماعی خبرهای زیادی منتشر است که به عنوان مثال نیروی طالبان، شامگاه ۱۳ مرداد ۱۴۰۰، عبدالله عاطفی، شاعر و مورخ افغانستانی، را در منزلش در ولایت ارزگان، شکنجه کرده و به قتل رسانده‌اند.

دو روز پیش از آن، پلیس ولایت بلخ در افغانستان، نیز اعلام کرد که طالبان یک زن جوان را به دلیل این‌که در طول سفر مرد همراه او نبوده و لباس کوتاه پوشیده بود، تیرباران کرده است.

در ولایت بادغیس نیز طالبان یک زن جوان که سابقه شرکت در کمپین واکسن فلج اطفال داشته است را تیرباران کرده‌اند.

نیروهای طالبان در هفته‌های گذشته نیز محمد خاشه، کمترین مشهور افغان، را در شهر قندهار از خانه‌اش ربودند و تیرباران کردند.

رادیو آزادی نیز گزارش داده است که شهر هرات در شرق ایران «به تازگی شاهد جنگ و درگیری شدید بوده» است و نیروهای طالبان در مناطقی که تصرف کرده‌اند، «دست به کشتار غیرنظامیان و غارت و چپاول اموال مردم زده‌اند». چنین جنایاتی سابقه دارد است و پیش از این نیز حتی دولت‌های امریکا و بریتانیا که افغانستان را دو دستی تقدیم طالبان کردند با اشاره به کشتار غیرنظامیان در شهر سپین بولدک، واقع در جنوب افغانستان، گفتند این کشتار مصداق «جنایات جنگی» است.

بر اساس این گزارش، نیروهای طالبان در این شهر که چند پیش تصرف شد، به دلیل انتقام‌جوئی، تعداد زیادی از مردم را قتل عام کرده‌اند.

همزمان با آغاز روند خروج نظامیان خارجی از افغانستان که روز ۳۱ اوت ۲۰۲۱ به پایان می‌رسد طالبان حملات خود را در سراسر کشور تشدید کرده و از اردیبهشت ماه تاکنون توانسته است نیمی از ولسوالی‌ها (شهرستان‌ها) و چندین گذرگاه مرزی مهم در مرزهای افغانستان با پاکستان و ایران را تصرف کند.

با تشدید درگیری‌های نظامی در غرب افغانستان، گروهی از مردم جنگ‌زده این کشور شبانه گریخته و به مناطق مرزی ایران و یا سایر کشورهای همسایه پناه آورده‌اند.

وبسایت «اقتصاد آنلاین» که ویدئویی از ورود مردم جنگ‌زده منتشر کرده، نوشته است که در میان افرادی که وارد ایران شده‌اند «تعداد زیادی از مسئولین و نیروهای ارشد نظامی افغانستان» نیز حضور دارند.

این هیولا که در سازمان‌دهی جنایت علیه بشریت و راه‌انداختن جنگ و ترور و وحشت و تجاوز و اعدام مخالفین هنوز به گرد جمهوری اسلامی ایران هم نمی‌رسد واقعا از کجا آمده است؟

در حدود سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴ میلادی و در جریان جنگ‌های داخلی افغانستان، خبرهایی از تشکیل گروهی از طلبه‌های دینی در مدارس تحت حمایت عربستان در پاکستان به گوش رسید. این گروه نام تحریک اسلامی طلبا (جنبش اسلامی طالبان) بر خود گذاشت و با شعار «اجرای شریعت اسلامی» و مقابله با آنچه «شر و فساد» در افغانستان می‌نامید از مرز جنوبی وارد افغانستان شد و به سرعت شهرها و ولایت‌های افغانستان را یکپس از دیگری تسخیر کرد.

در سال ۱۹۹۵، طالبان به بزرگترین پیروزی خود تا آن زمان دست یافت و موفق شد ولایت استراتژیک هرات در مرز ایران و ترکمنستان را تسخیر کند.

یک سال بعد در ۱۹۹۶، آن‌ها موفق شدند کابل، پایتخت افغانستان نیز را تسخیر کنند. برهان الدین ربانی، رئیس وقت دولت مجاهدین، با سقوط کابل، مقر دولتش را به مزارشریف انتقال داد که آنجا هم اندکی بعد به دست طالبان سقوط کرد.

یکی از اولین کارهایی که طالبان در پایتخت انجام داد، کشتن محمد نجیب‌الله، آخرین رئیس جمهور مورد حمایت شوروی بود که به دفتر سازمان ملل متحد پناهنده شده بود.

تا سال ۱۹۹۸، طالبان تقریباً بر ۹۰ درصد خاک افغانستان تسلط یافت و نیروهای ائتلاف ضدطالبان، موسوم به «ائتلاف شمال»، به فرماندهی احمدشاه مسعود همچنان به مقاومت در پنجشیر و شمال شرق کشور ادامه دادند.

طالبان در مناطق تحت کنترل خود، قوانی سختگیرانه و خشکی از شریعت اسلامی را پیاده کرد. زن‌ها اجازه کار و آموزش یا بیرون رفتن از خانه بدون همراهی یک عضو مرد خانواده نداشتند. مردان باید لباس محلی می‌پوشیدند و ریش انبوه می‌گذاشتند و موهای‌شان را کوتاه می‌کردند.

تلویزیون، سینما، تئاتر، موسیقی و عکاسی ممنوع بود. تقویم افغانستان را از هجری خورشیدی به هجری قمری تغییر دادند. طالبان مجازات وحشیانه‌ای را که پیش‌تر جمهوری اسلامی در ایران راه انداخته بود همچون قطع دست و سنگسار و شلاق‌زدن را پیاده کرد.

در سال ۱۹۹۸ و در پی بمب‌گذاری شبکه القاعده در دو سفارت امریکا در شرق آفریقا، بیل کلینتون رئیس‌جمهور وقت امریکا دستور داد کمپ‌های آموزشی القاعده در ولایت خوست افغانستان هدف حمله هوایی قرار گیرد؛ حمله‌ای که هیچ آسیبی به اسامه بن‌لادن و سایر رهبران القاعده نرساند.

در سال ۲۰۰۰، فشارهای امریکا به طالبان برای تحویل دادن رهبران القاعده شدت یافت و سازمان ملل متحد نیز طالبان را تحریم کرد.

در اوایل سال ۲۰۰۱، طالبان دو پیکره تاریخی بودا در بامیان را منفجر کرد.

در سپتامبر ۲۰۰۱، دو عضو گروه القاعده، متحد طالبان، احمدشاه مسعود، فرمانده ارشد ائتلاف شمال را در ولایت تخار ترور کردند؛ واقعه که به شدت باعث کاهش روحیه نیروهای مخالف طالبان شد.

واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا، سرنوشت حاکمیت طالبان را تغییر داد. گفته شد القاعده که طالبان به رهبرانش پناه داده بود و حاضر به تحویل دادن آن‌ها نبود، با هواپیماهای مسافربری ربوده شده، به اهدافی در نیویورک و واشنگتن حمله کرده و هزاران نفر را کشته‌اند.

یک ماه پس از این واقعه، امریکا در راس ائتلافی از کشورهای متحدش، به طالبان حمله کرد و تا هفته اول دسامبر ۲۰۰۱، این گروه از قدرت ساقط شد.

با وجود عملیات گسترده جست‌وجو، امریکا و متحدانش موفق به دستگیری رهبران عمده گروه طالبان، از جمله ملا محمد عمر نشدند. چرا که آن‌ها بر اساس گزارش‌ها به «کوئته» پاکستان گریخته و از آن‌جا به هدایت گروه طالبان ادامه می‌دادند.

در سال‌های اولیه پس از سقوط طالبان، دولتی تحت حمایت امریکا و متحدانش جای طالبان را گرفتند و ظاهراً آرامش نسبی به افغانستان بازگشت، کودکان دختر و پسر به مدرسه رفتند، زنان اجازه کار یافتند و ... قانون اساسی، ارتش، انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی و غیره تحت کنترل نیروهای امریکائی و متحدانش تشکیل و تصویب شدند.

اما طالبان هم ساکت ننشسته بود. در طول سال‌های بعد از ۲۰۰۶، حملات و بمب‌گذاری‌های طالبان بیش‌تر و پیچیده‌تر شد و کم‌تر جایی در افغانستان از گزند این حملات در امان ماند، حتی ارگ ریاست جمهوری، وزارت‌خانه‌ها و مقر نیروهای ناتو در افغانستان هم هدف حمله طالبان قرار گرفت.

سرانجام کار به جایی رسید که امریکا که ادعا می‌کرد با هدف حذف طالبان و حمایت و تقویت «دموکراسی» به افغانستان آمده، سرانجام پذیرفت با این گروه سر میز مذاکره بنشیند و سرانجام در ۲۹ فوریه ۲۰۲۰، توافق صلح طالبان و امریکا بر مبنای خروج نیروهای خارجی از افغانستان و رفتن به طرف مذاکرات بین‌الافغانی امضاء شد.

امریکا با خود اهداف و سیاست‌های اسلامی و غیرانسانی و تروریستی طالبان در افغانستان مشکلی نداشت، بلکه شروط عمده‌ای که امریکا در این توافق بر آن تاکید داشت، فاصله گرفتن طالبان از گروه‌هایی مانند داعش و القاعده و تهدید نکردن منافع امریکا بود. اما دیگر موارد، از جمله نوع نظام افغانستان، سرنوشت ارتش و نهادهای انتخابی، قانون

اساسی و حقوق و آزادی‌های مردم این کشور، به مذاکرات بین‌الافغانی موکول شد که اکنون طالبان در انتظار خروج همه نیروهای خارجی از کابل در انتظار تسخیر پایتخت افغانستان نشسته است.

به این ترتیب در افغانستان، فاجعه‌ای بس عظیم و تکان‌دهنده‌تر از گذشته در جریان است. دشمنان آزادی‌های فردی و جمعی، آزادی بیان و اندیشه، کارگران، زنان، دانش‌جویان و دانش‌آموزان، قاتلان ده‌ها هزار انسان، شهرها و ولایات افغانستان را یکی پس از دیگری تسخیر می‌کنند. آن‌ها هر لحظه از این مردم بی‌دفاع قربانی می‌گیرند. از هم‌اکنون انبوهی از مردم رنج‌دیده افغانستان در داخل کشور و مرزها و کشورهای همسایه آواره شده‌اند.

پیوندهای «ملی» در افغانستان شکاف بزرگی در میان شهروندان این کشور به وجود آورده است. افغانستان براساس تخمین‌ها از ۳۸ درصد پشتون (جمعیتی که طالبان به آن تعلق دارند)، ۲۵ درصد تاجیک، ۱۹ درصد هزاره و ۶ درصد ازبک و همچنین سایر اقلیت‌های کوچک تشکیل شده است.

هزاره‌ها به‌دلیل وابستگی ملی و مذهبی (شیعه) مدت‌هاست که هدف اصلی طالبان - و همچنین داعش (سازمان دولت اسلامی) هستند که از ژانویه ۲۰۱۵ در افغانستان فعال است. هزاره‌ها مرتباً در جاده شماره ۲ دره میدان، که به دره مرگ معروف است، ربوده یا کشته شده‌اند.

اقلیت ازبک نیز مجدداً تحت رهبری ژنرال عبدالرشید دوستم گرد آمده‌اند. دوستم قبل از رسیدن به معاونت رئیس‌جمهور بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۰ به مجاهدین پیوسته بود. او با دولت ترکیه نیز رابطه نزدیکی دارد و مدت‌ها در این کشور زندگی می‌کرد. او به داشتن رفتاری وحشیانه و جنایات جنگی به‌ویژه تجاوز، شکنجه و غارت متهم شده است. گزارش‌های روزنامه‌نگاران خارجی و همچنین دیده‌بان حقوق بشر او را مسئول آدم‌ربائی و تجاوز به یک رهبر رقیب در سال ۲۰۱۶ می‌دانند.

عطا محمد نور، فرماندار سابق و فرمانده جنگی مجاهدین تاجیکستان قول داده است که «میهن» خود، مزارشریف را آزاد کند. او در زمانی که استان بلخ به دست طالبان افتاده بود، خواستار بسیج ملی شد. به همین ترتیب، محمد اسماعیل خان، یکی دیگر از رهبران تاجیک و فرماندار سابق، متعهد شده است که استان خود را آزاد کند. این‌ها فقط چند نمونه از شبه‌نظامیان افغانستان هستند که در سراسر کشور به صحنه آمده‌اند. مردم نیز برای محافظت از خود در پشت رهبران سنتی، بسیج می‌شوند.

در حالی که بسیاری از آن‌ها با تهدید و خشونت و جنگ و راه‌اندازی شبکه‌های گسترده قاچاق مواد مخدر و سایر مشاغل شهرت و قدرت خود را به دست آورده‌اند.

در همان حالی که غیرنظامیان برای دفاع از خود در برخی مناطق اسلحه به دست می‌گیرند، دلایل روشنی دارد: از یکسو اکثر مردم افغانستان از بازگشت طالبان به قدرت وحشت دارند چرا که خاطرات رفتار وحشیانه آن‌ها در گذشته هنوز در حافظه‌ها زنده است. و از سوی دیگر، دولت بدون تکیه بر بازیگران غیردولتی مانند جنگ‌جویان، قادر به کنترل کل قلمرو نیست و به همین دلیل دولت قول داده است مردم را مسلح کند.

دولت کنونی افغانستان وعده داده که به مردم اسلحه تحویل دهد تا آن‌ها به «وظیفه ملی» خود، دفاع از «میهن»، عمل کنند. اما هنوز مشخص نیست که آیا دولت قادر خواهد بود به قول خود عمل کند، زیرا در خبرها آمده است که نیروهای نظامی دولتی ماه‌هاست که از کمبود سلاح و مهمات برای دفاع از مواضع خود شکایت دارند. بخشی از مردم که به‌نام دفاع از «میهن» مسلح می‌شوند، بیش‌تر با انگیزه مبارزه با طالبان است تا حمایت از نیروهای دولتی. با تعدد بازیگران جنگی، مردم افغان دوباره با کابوس یک جنگ داخلی تمام عیار و خانمان‌سوز روبه‌رو هستند.

در پی خروج شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۹ و سه سال پس از سقوط حکومت رئیس جمهور وقت «محمد نجیب‌الله»، گروه‌های مختلف مجاهدین به پیروزی رسید و با خشونت بی‌سابقه به جان هم افتادند. هرچند که سازمان‌ها و احزاب سیاسی مخالف حمله شوروی در سال ۱۹۹۲ بر اساس توافق‌نامه پیشاور برای تشکیل دولت موقت متحد شدند. اما گلبدین حکمتیار که از سوی سرویس‌های مخفی پاکستان حمایت می‌شد، تلاش کرد انحصار دولت را در دست خود داشته باشد. او در سال ۱۹۹۲ کابل را بمباران کرد که جز قربانیان زیادی در میان غیرنظامیان، و ایجاد تخریب و ویران‌گری نتیجه دیگری نداشت.

در آن دوره نیروهای ژنرال عبد الرشید دوستم، از سوی ازبکستان پشتیبانی می‌شدند. او که مدت‌ها در دولت نجیب‌الله با مجاهدین جنگیده بود کمی قبل از سقوط از او جدا شد و به مجاهدین پیوست.

حزب وحدت اسلامی افغانستان، با عنوان اختصاری «حزب وحدت»، که یک جریان شیعه است از سوی جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی می‌شد. عربستان سعودی نیز پشتیبان شبه‌نظامیان وهابی «الاتحاد الاسلامیه» بود و...

طالبان در سال ۱۹۹۶ کابل را فتح کرد و قوانین ظالمانه و وحشیانه‌ای را به مردم افغانستان تحمیل کرد. در آن دوره طالبان موفقیت خود را مدیون حمایت همه‌جانبه پاکستان، اسامه بن لادن و عربستان سعودی بود.

با این حال حکومت آن‌ها تثبیت نشد چرا که چندین جناح از مجاهدین برای تشکیل «ائتلاف شمال» گرد هم آمدند و تحت رهبری ژنرال مشهور، احمد شاه مسعود، متحد شدند. حملات القاعده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به نیویورک و واکنش واشنگتن به آن، نقطه عطف جدیدی برای شروع جنگ‌های طولانی بود که امریکا و متحدانش درگیر آن‌ها شدند. سرانجام طالبان را در سال ۲۰۰۱ سرنگون کردند.

اما جنگ‌طلبان طالبان هرگز اسلحه خود را زمین نگذاشتند. کنترل امریکا و متحدانش، برای خلع سلاح آن‌ها ره به جایی نبرد. البته خلع سلاح یک نیروی مسلح کار ساده‌ای نیست. در چنین روندیست که ماه‌های اخیر، نیروهای طالبان مجدداً به صحنه نظامی-سیاسی افغانستان بازگشته‌اند و دولت مرکزی مورد حمایت امریکا و ناتو نیز تاکنون نتوانسته جلو پیشروی‌های گاهی سریع نیروهای طالبان را بگیرد.

در واقع این کشور پس از بیست سال اشغال توسط امریکا و متحدانش، می‌رود تا بار دیگر انبوهی از جنایات و انتقام‌گیری را تجربه کند. کشوری که به مدت دو دهه، در اشغال نظامیان تا دندان مسلح و کشورهای قدرتمند ناتو و در راس همه امریکا بود، اکنون در برابر هجوم طالبان تنها مانده‌اند. بیم آن می‌رود که در ماه‌های آینده طالبان با هدف انتقام‌گیری دست به کشتارهای وسیع و دسته‌جمعی مردم افغانستان بزنند و حتی میلیون‌ها شهروند دیگر افغان، از خانه و کاشانه‌شان براند و آواره کشورهای هم‌جوار سازد.

اما دردناک‌تر آن است که افکار عمومی جهان و منطقه به این فاجعه انسانی عظیم که در راه است بی‌تفاوت و بی‌اعتنائی است. هنگامی که طالبان با انفجار بمب، ده‌ها تن از دختران دانش‌آموز را در کابل کشت، باز هم شاهد ابراز هم‌دردی جهانی نبودیم. امروز که جهل و جنایت بسیار گسترده‌تری گریبان مردم افغانستان را گرفته است، متأسفانه نشان‌چندانی از همبستگی با مردم این کشور نمی‌بینیم.

بی‌تردید بیش از همه نیروهای چپ و آزادی‌خواه ایرانی و منطقه و جهان برای تقویت همبستگی بات مردم رنج‌دیده و آزادی‌خواه افغانستان، مسئولیت و وظیفه آگاهانه و داوطلبانه دارند. میلیون‌ها افغانی و ایرانی در طول دست‌کم در چهار دهه گذشته با هم کار و زندگی کرده‌اند و هم‌سرنوشت و هم‌طبقه محسوب می‌شوند. بنابراین تقویت همبستگی با مردم افغانستان، هم یک وظیفه انسانی و هم ضرورت مبارزه سیاسی است.

از سوی دیگر به نظرم مهم‌تر از همه، ضرورت دارد که نیروهای آزادی‌خواه و چپ و سوسیالیست افغانستان از تجربه و دستاوردهای گران‌بهای مبارزان زن و مرد روژاوا بهره بگیرند. واقعا آن‌ها چگونه در مقابل داعش وحشی به مدت چهار ماه محاصره کوبانی ایستادگی کردند و داعش وحشی و تاندان مسلح را شکست دادند؟ آن‌ها چگونه رقه پایتخت خودخوانده داعش را تسخیر کردند؟ آن‌ها چگونه در ادامه مبارزه خود به کلی داعش را از منطقه خود پاکسازی کردند؟ آن‌ها چگونه تاکنون و به مدت بیش از ۹ سال در برابر تهاجمات و حملات مداوم و وحشیانه گروه‌های تروریستی اسلامی با حمایت ارتش فاشیست ترکیه ایستادگی کرده‌اند؟

دلیل این همه استقامت و دستاوردهای روژاوا روشن است چرا که سیستم سیستم «روژاوا» یک سیستم شورائی و همگانی است. یک زن و یک مرد رهبری مشترک هر نهاد مدنی و امنیتی را به‌عهده داشتند. زنان نیمی از جامعه محسوب می‌شوند و هم مادر و هم مدیر و هم رزمنده هستند. برای اثبات نقش زنان کافی‌ست سری به گورستان‌های منطقه و در جایی که بیش از ۱۱ هزار نفر در جنگ با داعش جان‌باخته‌اند؛ در میان قربانیان جنگ تصاویر هزاران زن بر سنگ قبرها دیده می‌شود.

در کردستان سوریه (روژاوا) چند همسری و ازدواج اجباری دختران در این جامعه سنتی و اسلامی ممنوع است. متخلفان مورد باخواست و جریمه می‌شوند.

در این ده سال جنگ داخلی سوریه تنها مناطق تحت کنترل کردها در شمال سوریه یکی از امن‌ترین مناطق در این کشور نفرین شده است. جایی که اعراب، کردها، ترکمن‌ها، چپ‌ها و همچنین مسلمانان و مسیحیان دوشادوش هم با داعش جنگیده‌اند و در کنار هم در تثبیت یک جامعه آزاد و برابر و دموکراسی مستقیم نه نیابتی مبارزه کرده و همچنان به این مبارزه متحده و همبستگی خود ادامه می‌دهند.

پس از شکست داعش نیروهای دموکراتیک روژاوا به معروف‌ترین و قدرتمندترین نیروی این منطقه مبدل شدند. نیروئی بدون توجه به فلسفه وجودی «دولت-ملت» و بدون نیروی هوائی و سلاح‌های سنگین پیشرفته، اما با عزم و اراده راسخ و قوی پولادین مستقل و مردمی خود!

هرچند که مردم افغانستان در معرض خطر قرار دارند اما زنان در افغانستان در شرایط سخت‌تر و هولناک‌تری قرار دارند. تحولات در بیست سال گذشته نشان داد که زنان نتوانستند به بسیاری از خواسته‌های اولیه خود دست یابند. چرا که با حمایت امریکا و متحدان آن، یک سیستم ملی و مذهبی و مردسالار را بر جامعه افغانستان حاکم کردند که ستم بر زنان بر تغییرات جزئی همچنان تداوم یافت. زمانی که طالبان هر بخشی از کشور را تصرف می‌کند بنا بر ایدئولوژی اسلامی‌اش زنان را نیز جزئی از غنائم جنگی خود می‌پندارد. برای همین نیروهای طالبان به‌ویژه زنان جوان را به برده‌گی جنسی می‌گیرند.

اما زنان نیز در مقابل این همه بربریت و خشونت و ستم جنسیتی دست روی دست نگذاشتند و به انتظار حوادث خودبه‌خودی ننشسته‌اند و نسبت به بازگشت طالبان، حساسیت نشان داده و خود را مسلح کرده‌اند. رد حالی که این حساسیت زنان قابل تقدیر است اما در چنین وضعیتی این زنان نمی‌توانند در مقابل نیروهای وحشی طالبان بجنگند و مقاومت کنند. اکنون آن‌ها به آموزش‌ها و تجارب گران‌بهای سیاسی-نظامی و آموزشی یگان‌های مدافع زنان روژاوا نیاز دارند.

در منطقه کردستان سوریه (روژاوا) نه تنها کردها، بلکه اقلیت‌های دیگری همچون آسوری‌ها، ارمنی‌ها، دروزی‌ها، چینی‌ها، عرب‌ها، سنی‌ها، مسیحی‌ها، علوی‌ها، ترکمن‌ها و... در این منطقه زندگی می‌کنند.

در روزاوا یک نیروی مسلح دفاعی تاسیس شده است که متشکل از سه بخش مختلف است: یگان‌های مدافع خلق (PDU)، یگان‌های مدافع زنان (WDU) و آسایش. آسایش، یک نیروی مختلط از مردان و زنان است که در شهرها و همه پست‌های بازرسی در خارج از شهر، برای حفاظت از غیرنظامیان از هر گونه تهدید خارجی مسئولیت دارد. علاوه بر این نیروها، یک واحد ویژه فقط برای زنان وجود دارد، برای مقابله با مسایل مربوط به تجاوز و خشونت خانگی.

در مدت زمان کوتاهی این شکل مدیریت شورائی کارهای بسیار زیادی انجام داده است و یک قرارداد اجتماعی، قانون حمل و نقل، قانون احزاب و... تصویب کرده است. در صفحه اول قرارداد اجتماعی روزاوا، آمده است: «مناطق خود مدیریت دموکراتیک مفاهیمی همچون ناسیونالیسم دولتی، نظامی یا مذهب و یا مدیریت متمرکز و حکومت مرکزی را نمی‌پذیرد، اما در برابر اشکال سازگار با سنت‌های دموکراتیک و کثرت‌گرایی باز است...»

مواد بسیاری در قرارداد اجتماعی وجود دارد از جمله: جدائی دین از دولت؛ ممنوعیت ازدواج زیر سن ۱۸ سال؛ حقوق زنان و کودکان باید به رسمیت شناخته شود، حمایت و اجرا شود؛ ممنوعیت ختنه زنان؛ ممنوعیت چند همسری؛ انقلاب باید از پائین جامعه صورت گیرد و پایدار باشد؛ آزادی، برابری، فرصت‌های برابر و عدم تبعیض؛ برابری بین زن و مرد؛ تمام زبان‌هایی که مردم صحبت می‌کنند باید به رسمیت شناخته شوند و در جزیره، زبان‌های عربی، کردی و سوری زبان‌های رسمی هستند؛ ایجاد یک زندگی شایسته برای زندانیان و تبدیل زندان به جایی برای بازپروری و اصلاح؛ هر انسانی حق پناهندگی دارد و پناهنده بدون رضایت او برگردانده نمی‌شود و...

علاوه بر حزب اتحاد دموکراتیک، که بزرگترین حزب روزاوا است، ۳۲ حزب سیاسی و تشکل مدنی در اداره کانتون‌ها نقش دارند. در کردستان سوریه فرصت‌های زیادی به زنان برای مشارکت در عرصه عمومی فراهم شده است. حضور زنان در جبهه‌های جنگ و تشکیل نیروی نظامی ویژه زنان، «یگان‌های مدافع زنان» (ی.پ.ژ) از جمله نمادهای این مشارکت است. به جز جنگ، زنان در نیروهای پلیس و نیروهای امنیتی (آسایش) کردستان سوریه هم نقش جدی دارند. بیش از نیمی از نیروی انسانی بخش آموزش و اداری را زنان تشکیل می‌دهند.

ازدواج زنان زیر ۱۸ سال در سیستم خودمختار کردستان سوریه غیرقانونی است. خشونت خانگی علیه زنان جرم تلقی می‌شود و خانه‌های امن برای زنان قربانی خشونت خانگی ایجاد شده است. زنان در عرصه رسانه‌ها نیز فعالیت‌های زیادی دارند.

هیچ قانون و تصمیم و قراری از بالای سر نهادهای منتخب مردمی دیکته نمی‌شود، بلکه همه تصمیمات در محل و مستقیماً توسط مردم همان منطقه گرفته می‌شوند. این تصمیمات به سطح بالاتری می‌رسد و سیاستمداران منتخب مردم آن‌ها را به مرحله اجرا در می‌آورند.

در روزاوا، قوانین بدون در نظر گرفتن ملیت و جنسیت و باورهای سیاسی و عقیدتی برای همه یکسان و برابر است. اما برابری طلبی جنسیتی در روزاوا، از اهمیت دوجندانی برخوردار است از این‌رو، این امر بسیار چشمگیر و برجسته است. برای مثال در کردستان سوریه، فضای بسیار باز و مناسبی برای متشکل شدن زنان وجود دارد. اجباری بودن شراکت برابر برای زنان با مردان، به ویژه در مسئولیت‌های تعیین‌کننده بسیار مهم است. این تصمیمی رادیکال و انقلابی است که به جرات می‌توان گفت در هیچ جای جهان وجود ندارد مگر در روزاوا. در این پروسه مردان مجبورند فکر و روابط و مناسبات خود را با زنان تغییر دهند و بی‌وقفه مردسالاری را زیر سؤال ببرند و به عنوان یک نگرش ارتجاعی و نابرابر از جامعه بزدایند.

به این ترتیب، یک روند و حرکت رادیکال و انقلابی آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه و عدالت‌جویانه برای زنان فراهم شده است، می‌تواند برای تمام زنان منطقه که تا به حال از حق و آزادی‌های خود محروم بوده‌اند الگویی مناسب و تجربه‌ای ارزنده به کار گرفته شود.

طبق گزارشات همه اقدار جامعه کردستان سوریه، یعنی کارگران، زحمت‌کشان، زنان، کودکان، جوانان، بازنشستگان و افراد مسن، مغازمداران، بازرگانان، بازریان و... به دلیل وجود سیاست‌های انسان‌دوستانه و آزادانه و برابری‌طلبانه و عدالت‌جویانه راضی‌اند. امنیت و آزادی در کسب و کار و زندگی‌شان بدون دخالت از طرف احزاب و یا جناح‌ها جریان دارد.

در واقع زنان خودشان طی سال‌ها مبارزه در کردستان، به آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رسیده‌اند و فضا مناسب را برای فعالیت‌هایشان نیز خودشان به وجود آورده‌اند. به عبارت دیگر، این حقوق و این فضا را کسی به زنان هدیه نکرده است، بلکه مستقیماً خود آنان برایش تلاش و مبارزه کرده‌اند و به این سطح از آگاهی رسیده‌اند.

اکنون با وجود این که کردستان سوریه بیش از پیش در معرض اشغال و حملات ارتش ترکیه و نیروهای ارتجاعی مسلح که دولت ترکیه از آن‌ها حمایت می‌کند قرار گرفته است اما در این موقعیت خطیر و حساس نیز هرگز یک رابطه ناعادلانه بین زن و مرد دیده نشده است.

نیروهای دموکراتیک سوریه (نیروهای اصلی آن یگان‌های مدافع خلق زن و مرد روژاوا است) روز سه‌شنبه ۱۹ مارس ۲۰۱۹ با تسخیر اردوگاه باغوز، صدها جنگجوی زخمی داعش را دستگیر کردند.

گروه موسوم به دولت اسلامی از سال ۲۰۱۴ بخش‌های وسیعی از سوریه و عراق را به تصرف خود درآورد و خلافت خود را در آن‌جا اعلام کردند. در پنج سال گذشته آن‌ها میلیون‌ها نفر را به انقیاد قوانین هولناک خود درآوردند، هزاران نفر را اعدام یا قتل‌عام کردند. با سقوط داعش در باغوز این خلافت به تاریخ پیوست.

ابوبکر البغدادی، رهبر داعش اواسط سال ۲۰۱۴ تشکیل دولت خودخوانده‌اش را پس از آن که این گروه نآرامی را در عراق و سوریه برپا کرد، اعلام نمود.

او الرقه در سوریه را پایتخت خود تعیین کرد. داعش در آن شهر مرتکب اقداماتی بی‌سابقه قطع سر، اعدام‌های جمعی، تجاوزات، آدم‌ربانی‌ها، و تصفیه نژادی شد. در آن‌جا داعش زنان مظنون به ارتکاب زنا را با سنگسار به قتل می‌رساند و افراد مظنون به همجنس‌گرایی را می‌کشت.

بسیاری از جنایات آن‌ها به صورت ویدئو نشر گردید و جهادی‌ها از آن برای تقویت دستگاه تبلیغاتی خود که بسیار خوب تامین هزینه شده بود، استفاده کردند.

داعش در عراق و موطن تاریخی اقلیت ایزدی سنجار را تسخیر کرد، از کودکان کم سن استفاده جنسی کرد. هزاران زن را به اسارت گرفتند تا به عنوان برده‌های جنسی از آن‌ها استفاده کنند و این‌ها فقط تعداد کثیری از موارد جنایت علیه بشریت توسط این گروه بود. هنوز از وضعیت بسیاری از این زنان خبری در دست نیست.

تجربه بیست سال گذشته به زنان و همه شهروندان افغانستان تجربه ای شد که برای تحقق خواسته‌های خود نباید نه به دولت‌ها متکی باشند و نه به انواع و اقسام نیروهای ملی و مذهبی، فقط به نیروی انسانی و اتحاد و همبستگی و مبارزه مستقل خود متکی باشند. تحولات ده ساله روژاوا می‌تواند چراغ راه آینده ما در افغانستان باشد.

زنان افغانستان پتانسیل آن را دارند که با خودسازمان‌یابی و با حمایت متحدین داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی خود بتواند در مقابله با طالبان و سایر نیروهای مردسالار و خشونت‌طلب که وجه مشترک تمامی آن‌ها تفکرات زن‌ستیزانه و

آزادی‌ستیزانه است، مبارزه متحد و متشکل و هدفمند خود را پیش ببرند. در این راستا برقراری ارتباط مستمر و پیگر با فرماندهان و فعالین یکان‌های مدافع خلق روژاوا می‌تواند برای مبارزه زنان افغانستان بسیار موثر باشد.

با افزایش پیشروی جنایت‌کاران طالبان در مناطق مختلف افغانستان، زنان این کشور نیز به جنبش موسوم به «خیزش مردمی» پیوسته و در برخی از شهرها برای مقابله با طالبان مسلح شده‌اند.

به گزارش رادیو آزادی، زنان شهر شبرغان در شمال افغانستان که به تازگی به این جنبش پیوسته‌اند، هدف از سلاح در دست گرفتن علیه طالبان را محافظت از خود و جلوگیری از محصور شدن دوباره در خانه‌ها دانسته‌اند.

گروه طالبان در روزهای گذشته به دروازه ورودی این شهر نزدیک شده است، ولی زنان این شهر می‌گویند دوش‌به‌دوش مردان می‌جنگند و به طالبان اجازه نمی‌دهند «وارد شبرغان شوند و زندگی عادی مردم را خراب کنند».

ظاهراً وزارت دفاع افغانستان نیز از بسیج نیروهای مردمی استقبال کرده و گفته است که «هر نوع تسلیحات و امکانات لازم را برای این افراد فراهم خواهد کرد».

آخرین گزارش‌ها از وضعیت جنگ در افغانستان حاکی است شبه‌نظامیان طالبان، روز شنبه ۷ اوت ۲۰۲۱، شبرغان مرکز ولایت جوزجان را به تصرف خود در آوردند.

خبرگزاری فرانسه این خبر را به نقل از عبدالقادر مالیه، معاون والی این ولایت منتشر کرد. مالیه به این خبرگزاری گفت: «متأسفانه شهر شبرغان به دست طالبان افتاده است و نیروها و مقامات (افغان) به فرودگاه گریخته‌اند».

یک مقام امنیتی دولت افغانستان به بی‌بی‌سی گفته است هاشم رئیس، والی جوزجان، رئیس امنیت ملی و یارمحمد دوستم، فرزند دوستم در تپه «یتیم‌تاق خواجه گوگردک» مستقر شده‌اند و فرمانده پلیس و فرمانده تیپ ارتش در شاهراه شماره یک در کمر بند شرقی شهر رفته‌اند. او گفت که خبری از نیروهای تازه نفس تاکنون نیست.

میرویس استانکزی، سخنگوی وزارت داخله-کشور افغانستان تأیید کرد که طالبان در حمله امروز (شنبه ۱۶ اسد-مرداد) توانسته‌اند به شهر رخنه کنند ولی نیروهای ویژه و نیروهای مقاومت مردمی آنان را دوباره از شهر بیرون خواهند کرد.

اکنون روشن نیست که طالبان با مردم این شهر به‌ویژه زنان چه رفتاری داشته است؟

پیکارگران راه آزادی و برابر روژاوا، عملاً به جهانیان نشان داده‌اند دموکراسی‌خواهی امریکا و اتحادیه اروپا و ناتو با شعار دفاع از حقوق بشر نه تنها به بهبود شرایط زندگی مردم منجر نمی‌شود، بلکه میزان جنگ و خشونت، فقر و فلاکت، ویرانی‌ها و آوارگی را به ارمغان خواهد آورد. حالا اگر از وضعیت مردم لیبی و عراق بگذریم اکنون عملاً می‌بینیم دستاوردهای امریکا و متحدانش در عراق به چه نتیجه وحشتناک و جنایت‌های نسل‌کشی را در تاریخ به ثبت رسانده‌اند. اکنون دور از انتظار نیست که این وضعیت فاجعه‌بار افغانستان در ادامه در کشورهای عراق و لیبی نیز تکرار شود. تاریخ هم نشان داده است که دولت‌های قدرتمند غرب و شرق هر جا و به هر دلیلی حضور پیدا کرده‌اند، جنایت پشت جنایت آفریده‌اند. کودتاهایی که سازمان سیا و متحدانش، در کشورهای مختلف دنیا انجام داده‌اند، عملکرد شورای امنیت سازمان ملل، کشتارهای خونین از امریکای لاتین، آفریقا تا آسیا از جمله جنایت ارتش ترکیه به عنوان بزرگترین ارتش در منطقه در روژاوا به ویژه کانتون عفرین مرتکب شده است. برای همه دولت‌های سرمایه‌داری جهان، از چین تا امریکا، از هند تا روسیه، از ایران تا عربستان سعودی، از ترکیه تا اسرائیل، از قاره آفریقا تا قاره اروپا، همگی ماسک فریبنده و دروغین دفاع از «دموکراسی» و «حقوق بشر» را بر سیمای کریه خود زده‌اند.

پیکارگران را آزادی و برابری روژاوا و مدافعین منطقه‌ای و جهانی سیستم خودمدیریتی این منطقه، عملاً و علناً نشان داده‌اند شعار دموکراسی از سوی قدرت‌های سرمایه‌داری جهان در افکار عمومی، بی‌معنی و بی‌ارزش و به یک شوخی مضحک شبیه است. تاریخ طولانی بشر از تاریخ بسیار قدیم تا الان نشان داده است تسلط و کنترل سیاسی-اقتصادی

دولتی یا سیستمی بر سرزمین‌های دیگر که گاهی با جنگ و تسخیر آن کشور به وسیله قهرآمیز و جنگ خونین لشکرکشی نظامی، اغلب به شیوه استقرار دولت‌های دست‌نشانده برای تامین منافع سیاسی و اقتصادی بوده است نه دفاع از حق و حقوق آزادی و امنیت انسان‌ها.

برای این‌که جهان امروز را دگرگون کنیم و از زیر حاکمیت، فشار اقتصادی و جنگ رها سرمایه‌داری سازیم، و به سرنوشت میلیون‌ها انسان گرسنه و تشنه و بی‌کار و بی‌خانمان بیاندیشم، ضرورت دارد که از تجربیات مختلف تحولات مثبت و منفی تاریخی خود و دیگران بهره بگیریم. در این راه اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران و همه محرومان و آزادی‌خواهان برای ساختن جامعه‌ای عاری از تبعیض و ستم و جنگ و استثمار یک امر کاملاً زمینی و ضروری است!

در جمع‌بندی می‌توانیم بگوئیم نه دولت فعلی افغانستان و نه طالبان و نه اتکا به دولت‌های جهانی و منطقه‌ای به‌معنای واقعی هیچ‌کدام‌شان ربطی به منافع واقعی مردم دردمند و رنج دیده افغانستان ندارند. دست‌کم تجربه ۲۰ ساله گذشته خود افغانستان، این واقعیت را در مقابل ما قرار داده است. بنابراین موقعی که ما می‌گوئیم همبستگی با افغانستان منظور نه دولت دست‌نشانده کنونی و نه دولتی که طالبان اسلامی وحشی می‌خواهد برای مردم این کشور به ارمغان بیاورد، نیست. منظور مردم رنج‌دیده افغانستان است. مردم ایران و افغانستان پیوندهای دوستی قوی تاریخی دارند. دهه هاست که میلیون‌ها افغان در ایران زندگی می‌کنند و باید شهروندان این کشور محسوب شوند. بنابراین تحولات ایران و یا افغانستان بر سرنوشت مردم هر دو کشور همسایه تاثیر گذار است. برای این که همبستگی فقط در سطح حرف نماند ضرورت دارد که نیروهای آزادی‌خواه و برابری‌طلب و چپ و سوسیالیست افغانستان به‌طور مستقل وارد صحنه سیاسی جامعه خود شوند تا به‌معنای واقعی از همبستگی جهانی انسان‌ها و نیروهای آزاده و برابری‌طلب و سوسیالیست بهره‌مند گردند.

بی‌گمان در این راستا زنان و مردان پیکارگر و با تجربه روزا و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی آن‌ها با جان و دل و با آغوش از هم‌فکری و کمک‌های مادی و معنوی همه‌جانبه و همچنین از دادن آموزش‌های سیاسی-نظامی به نیروهای زن و مرد افغان کوتاهی نخواهند کرد!

یک نکته بسیار مهم دیگر این است که تجربه تلخ و فاجعه انسانی افغانستان برای آن بخش از نیروهای ایرانی که برای به قدرت رسیدن منتظر حمایت‌ها و دخالت‌های خارجی به کشورشان هستند اصولاً باید آموزنده و هشداردهنده باشد! بنابراین ضرورت دارد که این نیروهای سیاسی تاکتیک‌ها و استراتژی‌ها و چیزهای شبیه این‌ها را بازاندیشی واقع‌بینانه کنند. حتی این بازاندیشی‌ها و ارزیابی‌ها نباید به مسئله تجربه امریکا و متحدانش در افغانستان محدود بماند؛ مسئله‌ای که باید در کتاب‌های تاریخ نوشته شود و تحلیل‌ها و رهنمودهایی که از توهم به دولت‌های سرمایه‌داری همچون امریکا، اتحادیه اروپا، روسیه، عربستان، ترکیه، اسرائیل، چین و... کاسته شود.

نیروهای امریکائی در سال ۲۰۰۱ در پاسخ مستقیم به حملات تروریستی که ظاهراً مقصر آن اسامه بن‌لادن رهبر القاعده بود که آن زمان در افغانستان تحت کنترل طالبان به سر می‌برد، به افغانستان فرستاده شد. تراژدی ۱۱ سپتامبر چنان سنگین و خوفناک بود که طرز فکر جهان به‌ویژه امریکائی‌ها را نسبت به تروریسم و ضدتروریسم کاملاً دگرگون کرد. آن‌ها مبارزه با تروریسم در اقدام نظامی، جنگ، لشکرکشی، کشورگشایی و اشغال‌گری دیدند و به همین دلیل به افغانستان حمله کردند که «جنگ با تروریسم» به‌عنوان خط مقدم به حساب می‌آمد. در دهه‌های اخیر حاکمیت امریکا و متحدانش جنگ‌های دودمان برانداز دیگری را هم را در جهان راه انداخته‌اند به طوری که همه فاجعه دل‌خراش و بزرگ ۱۱ سپتامبر نیویورک را فراموش کرده‌اند.

اکنون مردم جهان به‌ویژه عراق باید نگران باشند که امریکا و متحدانش به زودی سناریوی سیاه خود در افغانستان را در عراق نیز تکرار کنند.

باید تاکید کنیم که این مردم است هزینه‌های جانی و مالی هنگفت این جنگ‌ها می‌پردازند نه دولت‌های جنگ‌طلب و اشغال‌گر! دولت‌هایی که مانند هیولاهای آدم‌خوار به جان و زندگی مردم جهان و محیط زیست کره زمین افتاده‌اند و در جهت منافع سرمایه‌داری خود، بی‌وقفه و به‌طور مداوم به تخریب و ویران‌گری کره زمین مشغولند.

از سوی دیگر پیشروی‌های سریع نیروهای طالبان باعث شده تا این سؤال در افکار عمومی مطرح شود چگونه ارتش افغانستان که ۲۰ سال است به تجهیزات نظامی امریکائی مسلح بوده است و کارشناسان امریکائی آن‌ها آموزش داده‌اند این‌قدر سریع از هم بپاشد؟ نیروهای طالبان بر تسلیحات و تجهیزات امریکائی که نیروهای افغانستانی به جای گذاشته‌اند، سیطره کند که در برخی فیلم‌های گرفته شده، حتی تصاویر بالگردهائی دیده می‌شود که امریکا به نیروهای افغانستانی داده بود. این تحولات در حالی روی می‌دهد که امریکا ادعا کرده طی دو دهه گذشته بیش از ۸۳ میلیارد دلار تجهیزات و آموزش برای نیروهای امنیتی افغانستان فراهم کرده بود.

ساختن دستگاه امنیتی افغانستان یکی از بخش‌های کلیدی راهبرد دولت باراک اوباما رئیس‌جمهور سابق امریکا بود که به کمک آن دنبال یافتن راهی برای انتقال حفظ امنیت به نیروهای افغانستانی و خروج از این کشور در ۱۰ سال پیش بوده است. این تلاش‌ها، ارتشی با تصویری از ارتش امریکا ایجاد کرد، موسسه نظامی افغانستانی که قرار بود جنگ در افغانستان را به نیابت از امریکا به پیش ببرد اما به نظر می‌رسد که این ارتش پیش از آن‌که ارتش امریکا به‌طور کامل از افغانستان خارج شود، متلاشی شود.

فروپاشی ارتش زمانی آغاز شد که در مناطق حومه‌ای، جائی که نظامیان و واحدهای پلیس دولت افغانستان خود و سلاح‌هایشان را تسلیم نیروهای طالبان کردند و طالبان به آن‌ها قول داد در صورت تسلیم شدن و گذاشتن تسلیحات خود، می‌توانند به صورت ایمن از منطقه خارج شوند.

بر روی کاغذ تعداد نیروهای امنیتی افغانستان ۳۰۰ هزار نفر اعلام شده اما در روزهای اخیر گفته شده که این تعداد تنها ۵۰ هزار نفر هستند. این کمبودها را می‌توان در چندین موضوع ردیابی کرد که یکی از آن‌ها اصرار غرب بر ساختن ارتش کاملاً نوین با تمامی نیازمندی‌های لجستیکی است. اما این موضوع به اثبات رسیده این تجهیزات بدون حضور امریکا و متحدان ناتو ناپایدار هستند.

نظامیان و نیروهای پلیس افغانستان از فساد و گسترده و سیستماتیک دولتی ناراضی بودند. مقام‌های افغانستانی اغلب چشمان خود را به چیزی که روی داده می‌بستند و به خوبی می‌دانند که تعداد واقعی نیروی انسانی افغانستانی بسیار کمتر از چیزی است که به صورت رسمی اعلام می‌شود. هفته‌های اخیر بسیاری از نیروهای پلیس و ارتش در مناطق مختلف افغانستان به محاصره طالبان درآمده بودند اجباراً با پایان یافتن مواد غذایی و فشنگ و غیره تسلیم طالبان شدند. یک مسئله مهم‌تر در رابطه با وضعیت کنونی افغانستان روند دولت-ملت‌سازی بود. اکنون این واقعیت در مقابل ماست که دیگر دوران دولت-ملت‌سازی به پایان رسیده است. اکنون بیش‌تر مردم می‌خواهند سرنوشت خود و جامعه‌شان مستقیماً به دست خویش رقم بزنند و سرنوشت خود را به دست فردی و دولتی نسپارند.

بنابراین در جهان مدرن امروز مشارکت مردم در مدیریت سیاسی جامعه در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، امنیتی، دفاعی، دیپلماسی و... امری حیاتی برای هر کشور است. همان‌طور که در بالا نیز اشاره کردیم حدود ده سال است سیستم خودمدیریتی شورائی در کردستان سوریه (روزاوا) تجربه شده و با استقبال هم روبه‌رو شده است.

لشکرکشی نیروهای نظامی امریکا و ناتو به افغانستان در پائیز سال ۲۰۰۲ اتفاق افتاد و منجر به سقوط حکومت طالبان شد اما اکنون با توافقات غیرانسانی امریکا و ناتو و همچنین روسیه و چین و ایران و... با گروه تروریستی طالبان، این گروه وحشی، زن‌ستیز و آزادی‌ستیز دوباره به حاکمیت افغانستان برگشته است.

یکشنبه بیست و چهارم مرداد [اسد] ۱۴۰۰ - پانزدهم اگست ۲۰۲۱